

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره: ۵۵۶ ۱۸ آذر تا ۱ دی ۱۳۸۱

ویژه اینترنت

تهدیدها رهبران و چند وظیفه ایهای سازمان ترور و هدفهائی که تعقیب می کنند:

● کیهان (۳۰ آبان) باب تهدید را با تهدید دانشگاهها به تعطیل تابستان سال ۱۳۵۹ و از سر گرفتن «پاکسازی» گشود: «آیا ضرورت نهضتی شبیه انقلاب فرهنگی در سالهای نخستین بعد از پیروزی انقلاب احساس نمی شود؟ در آن هنگام نیز گروهک های ضد انقلاب که امروز چهره و تابلو دیگری را دارند مراکز دانشگاهی را تسخیر کرده و ساز دشمنان را کوک می کردند و انقلاب فرهنگی که با همت مسئولان دلسوز و فاطمه دانشجویان مسلمان و انقلابی صورت پذیرفت بساط آنان را بر چید.»

انقلاب اسلامی: هم اعتراف به این واقعیت که آن روز، تعطیل دانشگاهها جزئی از برنامه کودتا بر ضد رئیس جمهوری منتخب مردم ایران بود. اما از «گروهکها»، برخی دستیار ملاتاریا در تعطیل دانشگاهها شدند و بنا بر روش زور پرستان، طلبکار و مدعی نیز شدند. اگر می دانستند زمان شهادت می دهد و حاکمان، در هر مناسبت، ناگزیر از اعتراف به جرم می شوند، بسا راه راست را بر می گردیند. به خطای خود اعتراف می کردند.

● در نماز جمعه ۱ آذر، «رهبر» دانشجویان را آلت فعل «دشمن» گرداند و تهدید کرد. به این تهدید، دانشجویان پاسخ دادند: «فراندم کن تا معلوم شود دشمن مردم کیست.»

● در ۴ آذر، دومین روز از «هفته بسیج»، هاشمی رفسنجانی، به صراحت، تهدید به ترور کرد و این تهدید را در نماز جمعه ۹ آذر تکرار کرد:

... اینکه این همه رسانه های خارجی وقت و سرمایه می گذارند و می نویسند و رادیوها، تلویزیونها و ایستگاههای مختلف ماهواره ای تاسیس می شود و همه منابع مادی خود را علیه ایران بسیج می کنند، فقط مساله روحانیت و نیروهای انقلابی نیست، بلکه مساله اسلام است.

اینها فکر می کردند در اسلام واگذاری کار قیصر به قیصر و کار کشیش به کشیش اتفاق می افتد اما هرگز چنین نشد و متوجه شدند زمستان اسلام در حال رفتن و بهار آن در حال آمدن است.

اوضاعی که الان می بینید، در سالهای اول انقلاب هم بود. منافقین، چپی ها، لیبرالها و سلطنت طلب ها و رادیه های خارجی دست به دست هم داده بودند و مطمئن بودند که می توانند نهال مقدس اسلام را ریشه کن کنند. حتی تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مسلحانه راه می انداختند و هدفشان این بود که بنی صدر رای بیاورد. (۱) اما دیدید که سرانجام چگونه مجبور به ترک ایران شدند و به جاهایی رفتند که تا ابد نمی توانند سر خود را بلند کنند.

در حقیقت اینها مزدوران آمریکا و عوامل وی بودند.

اکنون همان موج شروع شده اما این بار مشکل دارند زیرا ما تنها نیستیم و هر فشاری که به ایران بیاورند از جاهای دیگر سر بر می آورد.

● تهدیدهای هاشمی رفسنجانی در ۹ آذر:

* خطاب به کشورهای غربی: دوران فریب سپری شده و آینده خود را در دنیای اسلام به باد در صفحه ۳

خامنه ای را دور می زند و یا او خود بحران ساز یهارا اداره می کند:

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، نخست اطلاعاتی را می آوریم که در یافت کرده ایم. این اطلاعات را جعد به نقشه سرکوبها و ترورها. در قسمت دوم، فهرستی از تهدیدها را می خوانید که رهبری سازمان ترور و سرشاخه های این سازمان بعمل آورده اند. رهبران حزب مشارکت، مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت نیز، بنوبه خود، هشدار داده اند و تهدید کرده اند. در قسمت سوم هشدارها و تهدیدهای آنها را می آوریم:

در پی جنبش دانشجویی، رهبری و تمامی شاخه های سازمان

ترور، فعال شدند:

دورزدن خامنه ای در اجرای نقشه سرکوب گسترده و فعال

شدن شاخه ترور سازمان ترور:

از زمانی که امکان تشدید تنش در روابط خارجی بوجود آمد، رهبری سازمان ترور، تمامی شاخه های سازمان ترور را فعال کرده است:

● شاخه اقتصادی سازمان ترور، یعنی اختاپوس مافیاهای سخت فعال شده است. هم از لحاظ توسعه فسادها و هم از نظر سیاست اقتصادی و بازار و هم از جهت بکار بردن پول برای «بسیج». برای نمونه، در ماه رمضان، هاشمی رفسنجانی و مافیای او، در شهرهای مختلف، ۴۰ هزار نفر را اطعام کرده است. خامنه ای نیز برای هزاران نفر سفره گسترده، اما مافیاهای مالی بیشتر با هاشمی رفسنجانی هم دست می درازند و تعداد کسانی که مافیای هاشمی رفسنجانی بر سفره ها نشانده است، بیشتر بوده اند.

در صفحه ۲

به بهانه جنگ با عراق: کوششهای امریکا برای معامله با ایران و ترکیه:

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، خبرهای را می خوانید که از گفتگوهای پنهانی امریکا با ملاتاریا و نیز وعده ها که به ترکیه می دهد، پرده بر می دارند. و در قسمت دوم، خبرهایی را می خوانید که تدارک جنگ با عراق را تدارک می کنند. جنگی که ممکن است انجام نگردد:

امریکا در پی جلب اطمینان کامل رژیم است و به ترکیه وعده چشم پوشیدن از قرضه ترکیه به امریکا و کمک سالانه می دهد:

● نشریه امریکائی بالتیمور سان (۱ دسامبر ۲۰۰۲) گزارش مشروحی از گفتگو های محرمانه امریکا با ایران، منتشر کرده است. نکات مهم آن عبارتند از:

* ایران تکران بعد از عراق است. تکران آنست که بعد از عراق، نوبت ایران خواهد شد و امریکا ایران را نیز مورد حمله نظامی قرار خواهد داد. حکومت بوش که در پی جلب موافقت دولتها با جنگ با عراق است، به سراغ خصم دیرین، ایران، نیز رفته است. امیدوار است همکاری دولت ایران را با جنگ جدید خلیج فارس جلب کند.

از تابستان گذشته که امریکا مشغول تدارک جنگ با عراق است، عزم خود را به تماس با رژیم روحانیان در ایران، ابراز کرده است. قصد امریکا اینست هدف خویش را از خلع سلاح صدام توضیح دهد و همکاری ایران را بدان جلب کند. یک مقام بلند پایه حکومت بوش گفت: «ما محتاجیم بدانیم طرف مقابل در این باره چگونه فکر می کند و آیا می توانیم در این زمینه با یکدیگر کار کنیم یا خیر؟»

* زلمی خلیل زاد - که اینک مشاور بوش در امور عراق نیز شده است - گفت: برغم نظر انتقادی امریکا نسبت به سیاست ایران، امریکا آماده گفتگو با ایران در باره عراق است. او افزود: «ما در پی یک عراق متحد، با ثبات، با دولتی نماینده مردم، حافظ حقوق اقلیتها هستیم که دیگر تهدیدی برای همسایه های خود نباشد. این خواست با منافع ایران انطباق دارد.»

* گشایش باب گفتگو از سوی امریکا در زمانی انجام می گیرد که برای رژیم ایران حساس است. رژیم ایران که تکران هدف دراز مدت امریکا در خاورمیانه است، همزمان، هم با فشار مخالفان خود رویارویند که خواستار نظام سیاسی باز تر و حل مشکلات اقتصادی کشور، بخصوص مشکل مزمن بیکاری، هستند و هم تکران تحول منطقه و آینده خود.

* مقامات امریکا گفتند: امریکا هدف خود را به جلب اطمینان و همکاری ایران در مسئله عراق، محدود کرده است. و در این مرحله، انتظار بهبود اساسی در روابط دو کشور را ندارد اما امیدوار است به تفاهمی با ایران دست یابد که بر اساس آن، مزاحم جنگ امریکا با عراق نشود و بعد از پایان جنگ، در بازسازی عراق همکاری کند.

* اما رژیم ایران از آن می ترسد که قصد امریکا اینست که بعد از عراق، بهانه جنگ با تروریسم به ایران قشون کشد. ادوارد والکر، رئیس مؤسسه خاورمیانه واشنگتن، که با خرازی، وزیر خارجه ایران، در نیویورک ملاقات کرده است، از قول او، گفت: ایران از به محاصره در آمدن می ترسد. در افغانستان، دولتی بر سر کار است که تابع امریکا است. ترکیه نیز عضو ناتو است. در صورت استقرار قوای امریکا در عراق و تشکیل دولت وابسته به امریکا، ایران به محاصره در می آید.

* ایران می تواند مشکلاتی چندی برای امریکا در خاورمیانه در صفحه ۵

خامنه‌ای را دور می‌زنند و یاو خود بحران‌سازیهارا اداره می‌کند:

سیاست اقتصادی کشور نیز در دست طرفداران هاشمی رفسنجانی است. در این روزها، ناامنی را بیشتر کرده‌اند. تا فشار بر حکومت خامنه‌ای را شدیدتر نکنند. خامنه‌ای که اقتصاد کشور را در دست طرفداران رفسنجانی گذاشته است، امروز دیگر اگر هم بخواهد نمی‌تواند تغییری در سیاست مالی و اقتصادی بوجود آورد. ناامنیها، بخصوص ناامنی قضائی، رانت خواری را تنها قلمرو بکار بردن سرمایه‌ها گردانده‌است.

* نقش سیاسی بنیاد شهید و بنیادهای دیگر را اغلب می‌شناسند. اما نقشی را که کمتر از آن اطلاع به مردم می‌رسد، نقش صندوق‌های قرض الحسنه است. شبکه این صندوقها - که بنازگی خبر فساد چند میلیارد تومانی آن انتشار یافت - شبکه‌ای را در مقیاس کشور بوجود آورده‌است که با استفاده از فقر همگانی و دادن وام، شبکه‌ای از وابسته‌ها بوجود می‌آورد. البته، آنها که وابسته می‌شوند، بجای موافق شدن، مخالف نیز می‌شوند. اما رژیم از ظاهر فعل پدیر آنها استفاده می‌کند.

* «شورای نگهبان» را آماده کرده‌اند و لایحه حکومت خامنه‌ای را رد کنند. اطلاع ما تا این زمان اینست که بنا بر رد کردن دو لایحه است و خامنه‌ای نیز استعفاء نخواهد داد.

تا تصویب قطعی دو لایحه در مجلس، «شورای نگهبان» بیکار نیست؛ با استفاده از ماه رمضان، در اجتماعات مختلف، بخصوص وقتی اجتماعها از بسیجی‌ها و پاسدارها بوده‌اند، تصویب این دو لایحه را اجرای بخشی از طرح براندازی «نظام جمهوری اسلامی» و تسویه حساب با اسلام و روحانیت، تبلیغ کرده‌اند.

* شاخه قضائی سازمان ترور، به صدور «حکم» اعدام آقاجری بسنده نکرده‌است. به ایجاد واواک موازی و تعطیل مؤسسات سنجش افکار و توقیف و پرونده سازی برای عباس عبیدی و گرانپایه و قاضیان اکتفا نکرده‌است. به توقیف چند تن از دانشجویان و پرونده سازی برای آنها بسنده نکرده‌است. بنا بر اطلاع واصل، برای اشخاصی که نامه‌شان در فهرستی از فعالان آمده‌اند که رهبری سازمان ترور، ختنی کردن آنها را لازم تشخیص داده‌است، پنهانی، مشغول ساختن پرونده‌های «قضائی» است. کسانی که رژیم را تهدید به «ترک حاکمیت» می‌کنند و دانشجویان فعال، در این فهرست هستند.

* شاخه ترور سازمان ترور نیز تیمهای خود را آماده می‌کند تا در صورت لزوم، وارد عمل شود. بنا بر اطلاع ما، دو تیم ترور، مأموریت کشتن بنی صدر را یافته‌اند. تهدیدهای رفسنجانی، تهدیدهای خشک و خالی نیستند. غیر از اینکه بنا بر اطلاع، این دو تیم با تصویب او مأموریت یافته‌اند. به حزب الله لبنان نیز آماده باش داده شده‌است:

در ۹ آذر، «روز قدس»، حزب الله لبنان رژه نظامی ترتیب داد و توان نظامی خود را به رخ کشید. شیخ حسن نصر الله و جنیبات در مراسم شرکت داشتند. در باره حزب الله لبنان و ارتباط آن با رهبری سازمان ترور و علت آماده باش، اطلاعات زیر را تحصیل کرده‌ایم:

* امریکا در کار برنامه‌گذاری کشتن آن عده از رهبران حزب الله لبنان است که در ترور امریکائیان دست داشته‌اند. میدل است نیز (۱ دسامبر ۲۰۰۲) از قول مقامات امریکائی، می‌نویسد که قتل این رهبران در دستور کار حکومت بوش قرار گرفته‌است. حزب الله با القاعده در تورهائی که در آفریقا انجام گرفتند، همدست بوده‌است. با بسیاری از اعضای کنگره در باره شدنی بودن این قتلها از لحاظ قانونی، گفتگو شده‌است. بدنبال موفقیت سیا در کشتن «عضو القاعده»، در ماه گذشته، در بین موضوع کشتن رهبران حزب الله در دستور کار قرار گرفته‌است. امریکا بر آنست که در مرحله جدید مبارزه با تروریسم، از همان وسیله که در کشتن آن ۶ تن استفاده کرده، در کشتن دیگر «تروریستها» نیز استفاده کند.

* این امر که رهبران حزب الله در معرض قتل توسط سیا هستند،

هم می‌تواند اقدام به توسعه «جهاد خشونت آمیز» را موجه کند و هم به ملاتاریا امکان می‌دهد تنشهای خارجی را تشدید کند و هم برایش فرصت معامله با امریکارا فراهم می‌آورد. از این رو، * بنا بر اطلاع دیگری، دولت سوریه به این نتیجه رسیده‌است که دست ایران را در لبنان باز گذاشتن، سیاست اشتباهی بوده‌است. زیرا موقعیتی بوجود آمده‌است که در معامله پشت پرده با امریکا، طرف اصلی معامله ایران است. اطلاع دقیق تر حاکی از اینست که قصد رهبری سازمان ترور، تشدید تنشهای خارجی، برای استفاده از آن در داخل و برچسپیدن بساط «مخالفان ولایت فقیه» است. در پایان این گزارش، هدفهایی که سازمان ترور تعقیب می‌کند، را می‌آوریم.

* شاخه تبلیغاتی سازمان ترور، صدا و سیما و روزنامه‌های ارگان این سازمان، مأموریت دارند تنشهای داخلی و خارجی را تا می‌توانند سنگین کنند. تهدیدهای روزمره، ترور شخصیت، حمایت علنی از تروریسم، جنگ اعصاب با «اصلاح طلبان» و دانشگاهیان و ملی - مذهبی‌ها، قال جاق کردنها و حواس مردم را به آنها جلب کردن، فعالیت‌های علنی شاخه تبلیغاتی سازمان ترور هستند. غیر از این فعالیتها که در ایران قشرهای مختلف مردم از آن آگاهند، فعالیتها را نیز دارند که حتی «معالان سیاسی درون رژیم از آنها آگاه نمی‌شوند مگر بعد از وقوع آنچه می‌خواهند واقع شود:

* بولتن‌های «خبری و تحلیلی» (در شماره گذشته انقلاب اسلامی اطلاعات یک شماره آن از نظر خوانندگان گذشت). با این بولتنها افراد سازمانهایی که در سرکوب‌ها نقش اصلی را دارند، تغذیه می‌شوند.

* نقش جاسوسی در داخل و خارج. در این نقش، با واواک موازی که زیر نظر خامنه‌ایست، همکاری مستقیم دارد. نمونه‌ای از «اطلاع‌سازیهارا» را کیهان، پیش از پورش به بخشی از رهبری حزب مشارکت، انتشار داد.

* در پوشش خبرنگار و فیلم بردار، کار تیمهای کسب اطلاعات برای تیم ترور را همچنان انجام می‌دهد.

* انتشار قولهای جعلی و تحریف شده از مقامات روحانی (منتظری بیشتر از دیگران قربانی است) و تخریب شخصیت. این فعالیت با همکاری شاخه «روحانی» سازمان ترور انجام می‌دهد.

* و البته سانسور «نام» و «فکر». نوع جدیدی از این سانسور توسط شاخه تبلیغاتی سازمان ترور انجام می‌گیرد که در دوره شاه، عقل ساواک و دستگاه تبلیغاتی آن سازمان به آن نمی‌رسید: هرچه به «نظام جمهوری اسلامی» و بخصوص «ولایت مطلقه فقیه» زیان نمی‌رساند، ولو ضد اسلام، در ایران امروز می‌تواند منتشر شود. برای مثال، اگر در مازکیسیم - لنینیسم و یا مسیحیت و یا یهودیت و یا هر مرام دیگری که بر نقش «رهبری دارای اختیار مطلق» تأکید شده باشد، بدون سانسور می‌تواند منتشر شود. آقاجری را با تحریف قول او، متهم کرده‌اند که «دین را تر باک توده‌ها» خوانده‌است. این سخن از مراکیسیست‌هاست و آثار مراکیسیستی که آزادی انسان را در گرو ترک و طرد دین می‌دانند، در ایران، چاپ و پخش می‌شوند. و نیز هر کتاب و مقاله‌ای که در تضاد دموکراسی با اسلام نوشته شود، اجازه چاپ پیدا می‌کند. اما اگر کسی بخواهد ثابت کند دین با مردم سالاری موافق است، مثل آقاجری، قولش تحریف و با قولش جعل و به اعدام محکوم می‌شود.

* شاخه «روحانی» سازمان ترور، زمینه سازی برای محکوم کرده آقاجری به اعدام، فعالیتی بود که همه از آن خبر داریم. تبلیغات بر ضد دو لایحه نیز بر همه معلوم هستند. تهیه پرونده های ارداد برای گرفتن «حکم قتل» نیز کاری قدیم است. مرجع تراشی (نمونه‌های خامنه‌ای، شیخ حسین همدانی و فاضل لنکرانی) و جو ترور ایجاد کردن در قم و حوزه و شهرها برای اینکه کسی منتظری و حتی مراجع دیگر را تبلیغ و ترویج نکند، باز اموری هستند که هماهنگ در همه جای ایران انجام می‌گیرند و کم و بیش مردم از آنها آگاهند.

با وجود این، این شاخه فعالیتها را دارد که از چشم همگان کم و بیش پنهان است:

* اداره هیأتها و حسینیه‌ها که خرج آنها را اختاپوس مافیایا می‌پردازد و تهدید خامنه‌ای دو قوه مجریه و مقننه به «مردم»، تهدید به این حسینیه‌ها و تکیه‌ها و هیأتهاست. وقتی ملاتاریا در

کار حزب سازی (حزب جمهوری اسلامی و حتی هیأت مؤتلفه) شکست خورد، به هیأت و حسینیه و تکیه سازی روی آورد. انقلاب اسلامی: خاطر نشان می‌کند که انقلاب اسلامی، فهرست این هیأتها و حسینیه‌ها را در تهران و شهرهای ایران، انتشار داده‌است.

* شششوی مغزی افرادی که در شاخه‌های مختلف سازمان ترور فعالیت دارند و نیز در «نهادهای انقلاب»، البته وظیفه شاخه «روحانی» سازمان ترور است. ترفندی که این شاخه با موفقیت بکار برده‌است و سکوت روحانیان و اسلام شناسان داخل کشور از عوامل این موفقیت بوده، اینست که قولهای «امام راحل» - خمینی - را جانشین کتاب (قرآن) و سنت (سیره و روایت) پیامبر و انمه کرده‌اند. گرچه در قولهای «امام راه حل» آنچه برای مغز شوئی لازم است وجود دارد، با وجود این، اجازه جعل قول نیز دارند.

* سانسور رساله‌های دینی و نیز کتب مذهبی که می‌باید اجازه انتشار بگیرند نیز بر عهده شاخه «روحانی» سازمان ترور است.

* بخاطر بیزاری شدید مردم از «آخوندهای» دولتی، افراد شاخه «روحانی» سازمان ترور، از مشاغلی که آنها را در جلو چشم مردم قرار می‌دهد، به مشاغل «پشت پرده»، نقل مکان کرده‌اند. از قبیل است شغلهای نان و آب داز مالی و اقتصادی - از طریق راه انداختن کارهای شرکتها، در صد گرفتن و شریک شدن در سوداگریهایی که رانتهای کلان عاید می‌کند، از این نوع مشاغل است. توجه نیز دارند: رویاروئی با خطرها که «نظام» و اسلام و روحانیت را تهدید می‌کند، ایجاب می‌کند روحانیان مجهز به امکانات مالی باشند. از جمله درصدها که می‌گیرند:

* شاخه سرکوب خیابانی سازمان ترور در جریان جنبش دانشجویی فعال شد. چند مورد برخورد نیز پیش آورد اما هشاری دانشجویان امکان عمل را از آنها گرفت. آنچه باید شناسائی شود تا دانشجویان و دیگر مردم از توان سرکوب رهبری سازمان ترور اطلاع دقیقی داشته باشند، سازماندهی سرکوب و قوانی است که در صورت وسیع شدن جنبش مردم، رژیم می‌تواند وارد عمل کند.

* استفاده از عنوان «بسیج»، در بکار بردن نیروهای سرکوب، روش جدیدی است که قرار است از این پس، بکار رود. با وجود این،

* سر و کله «انصار حزب الله» باز پیدا شده‌است. هم در ارگان خود خواهان «با کساری» کامل هستند و هم در اجتماعات حاضر می‌شوند و به وظیفه شراوت و رذالت مشغول می‌گردند.

* شاخه نظامی سازمان ترور: در مردم دارد این فکر قوت می‌گیرد که خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی برای سرکوب مردم نمی‌توانند روی سپاه و نیروهای انتظامی حساب کنند. بدیعی است که تکیه بر بسیج (که هویت مشخصی ندارد و نامی است که می‌توان بر روی هر قوه سرکوبی نهاد)، بمعنای آنست که رژیم در بکار بردن سپاه و نیروهای انتظامی در سرکوبها، دشت بطور کامل باز نیست. با وجود این، در سپاه و نیروهای انتظامی، بخش «قابل اعتماد» را از بقیه جدا کرده‌اند و کارهای سرکوب را بر عهده این بخش گذاشته‌اند:

* در سپاه و نیروهای انتظامی، دو دستگاه اطلاعاتی که بخش اصلی واواک موازی را تشکیل می‌دهند، جزء قوای سرکوب هستند و بخش عمده فعالیت این دو دستگاه، غیر نظامی و انتظامی و در حقیقت سیاسی است. نام زندان ۱۰۹ سپاه و «اداره مبارزه با متکرات»، بسیار برده می‌شود. این دو جا، تنها دو جایی نیستند که دو دستگاه اطلاعاتی از آنها برای احضار یا دستگیر کردن و پرونده ساختن استفاده می‌کنند. زندانیان بسیاری هستند که به هیچکدام از این دو محل احضار یا زندانی نشده‌اند. این دو سازمان از اطفاها در هتلها گرفته تا خانه‌های «خاموش» (که صدا از درون آنها به گوش نمی‌رسد) در اختیار دارند.

انقلاب اسلامی: در تأیید این اطلاع، خبری را از سایت امروز (۱۰ آذر) نقل می‌کنیم:

« یک تیم عملیاتی جهت اطلاع از فعالیت روزنامه‌ها اقدام به ربودن کارکنان آنان کرده‌است. گفته می‌شود عملیات آدم ربایی با تهدید سلاح گرم صورت گرفته و فرد ربوده شده به

منطقه‌ای نزدیک مصلی منتقل و پس از آن به یک بازداشتگاه موقت انتقال و تحت بازجویی قرار گرفته‌است. محل بازجویی ظاهرأ در اطراف میدان و تک قرار دارد.

ربابندگان با فشار روحی و روانی و زدن تهمت سعی می‌کنند اطلاعاتی در مورد مدیران مسئول و سردبیران و دیگر کادر تحریریه نشریات به دست آورند.

آخرین مورد طی هفته گذشته روی داد که یک روزنامه نگار پنج شنبه دو هفته گذشته در حوالی خیابان ایرانشهر ربوده و روز چهارشنبه بازگردانده شد.

* از یگانهای عملیات ویژه، در مواردی استفاده شده‌است. در جنبش اخیر دانشجویی نیز آنها را برخ دانشجویان کشیدند.

محل سازمانی این یگانها سپاه پاسداران است. اما حساب و کتاب کاملاً جداگانه‌ای دارند. در محیطهای بسته‌تر و تحت مغز شویی دائمی نگاهداری می‌شوند.

* لباس شخصیها که در ایفای کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۷۸۱ از آنها استفاده شد، تحت فرمان «رهبر» هستند و بنا بر موقع، در حمایت قوه انتظامی یا سپاه، در سرکوبهای خیابانی شرکت داده می‌شوند.

● هدفهایی که در حال حاضر رهبری سازمان ترور تعقیب می‌کند، عبارتند از:

* کشتن کار سازمانهای سه‌گانه (تحکیم وحدت، مجاهدین انقلاب اسلامی و مشارکت) به انحلال،

* جلوگیری از هر «اصلاحی» در داخل (از این رو دو لایحه تصویب نخواهد شد) تا آمریکا و اروپا بدانند که در ایران، دو صدایی نیست و تک صدایی است و صدا نیز صدای رهبری سازمان ترور است و این رهبری آماده معامله با امریکاست. از این رو،

* موکول کردن هر کار در داخل به بعد از «دور کردن خطر جنگ امریکا با ایران» که هاشمی رفسنجانی بار دیگر، در نماز جمعه ۹ آذر از آن صحبت کرد، از سوئی و رفتن به پای ایجاد تنش در روابط خارجی (حمایت علنی از تروریسم)، از سوی دیگر، گویای این واقعیت است که رهبری سازمان ترور، موقعیت خود را بسیار مشکل می‌یابد و ناگزیر می‌بیند در داخل و خارج تنش‌ها را تشدید کند. زیرا شرائط لازم را هم برای جلوگیری از هر کار که نخواهد انجام بگیرد آماده می‌کند و هم امکان سرکوب پیدا می‌کند و هم می‌تواند معامله کند.

انقلاب اسلامی: خبری را نقل می‌کنیم که این اطلاعات آن را شفاف می‌کند و بنوبه خود اطلاعات این گزارش آن را شفاف می‌کند:

* دبکانت ویلی (۳۰ نوامبر) خبر می‌دهد که خانه‌ای با سپاه پاسداران مسئله پیدا کرده‌است: فرماندهان سپاه با معامله با امریکا بر سر جنگ با عراق مخالف هستند. این مخالفت، او را از معامله محدود و پنهانی با امریکا بر سر عراق، ناامید می‌کند. رحیم صفوی و ذوالقدر، قائم مقام او تقریباً به خانه‌ای دستور داده‌اند که از موافقت با امریکا منصرف شود.

گرچه مطبوعات غرب تمام تأکید را بر این می‌گذارند که خانه‌ای با اصلاح طلبان طرف است و تحت فشار آنهاست، اما فشار واقعی که خانه‌ای زیر آن بی‌نیاز است، سپاه پاسداران و نیروهای شبه نظامی بسیج که تحت فرماندهی سپاه پاسداران هستند، در سطح داخلی و خارجی، خود را نیروی می‌دانند که مراقب مقامات نظام هستند که هیچیک از «خط امام» یعنی خمینی خارج نشوند. خط از آن خمینی است نه خانه‌ای. بنا بر این، سپاه می‌تواند او را متمم به بیرون رفتن از «خط امام» کند. حرف رادیکالها نیست که در دنیای اسلامی، رقباتی مثل القاعده و سازمانهای فلسطینی و حتی حزب الله لبنان پیدا کرده‌ایم و اگر به راه سازش با امریکا برویم، موقعیت خود را، حتی در خود ایران، از دست می‌دهیم. خانه‌ای می‌داند اگر کمتر ضعیف بروز بود، این نیرو را در برابر خود خواهد یافت.

بنظر آنها پیوستن به امریکا در سرنگون کردن رژیم صدام نه تنها بی‌احتیاطی است، بلکه عرصه‌ی مانور ایران را در رابطه با عراق و بحران جنگ نیز محدود می‌کند. ایرانی را نیز بعنوان

«ام القرای اسلام» و حامی اسلام، بی‌اعتبار می‌گرداند. فشارهای وارده از سوی این نیروها خانه‌ای را ناگزیر کرده‌است از سازش پنهانی که با امریکا کرده‌است، چشم ببوشد. نه تنها از آن سازش باید چشم ببوشد بلکه، بعنوان «همسنگی اسلامی» و انسانیت، در صورت وقوع جنگ، به مردم عراق مواد غذایی و دارویی برساند. بدینسان، کار وارونه شد!

بنا بر سیاست جدید، ایران هیچگونه اظهاری که تعبیر به جواز همکاری شیعه عراق با امریکا بگردد، نخواهد کرد. البته مردم عراق را نیز دعوت به مقاومت در برابر امریکا نیز نخواهد کرد. سکوت تهران بنوبه خود حمایت از عمل نظامی امریکا خواهد شد.

* در ۱ دسامبر، الحیات مصاحبه محمد باقر حکیم، رئیس مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق» را منتشر کرد. حکیم موضع ایران را در جلوگیری از بازگشت واحدهای سپاه پدر به عراق، انتقاد کرد. او گفت: مذاکره با امریکا هیچ منج شرعی ندارد...

انقلاب اسلامی: تا آنجا که ماطلاخ داریم، رحیم صفوی و ذوالقدر اعضای چند وظیفه‌ای سازمان ترور هستند. آنچه قطعی است، اینست که رهبری سازمان ترور، در حال حاضر، نیاز به تنش و تنش شدید دارد و آن را مانع معامله محرمانه با امریکا نمی‌داند. چنانکه سازشهای «اکتبر سورپرایز» و «ایران گیت» را ملاتاریاها همین نوع «فرماندهان» انجام داد. اطلاع زیر گویای هدف اصلی است که هدفهای بالا، در صورت تحقق، امکان وصول به آن را فراهم می‌آوردند:

* هدف اصلی:

حکم اعدام آقاچاری بدستور شخص خامنه‌ای صادر شده‌است. نقشه سرکوبهای دیگر و نیز تهدیدها، همه با تصویب او انجام می‌گیرند. او به این نتیجه رسیده‌است که حق با هاشمی رفسنجانی است یعنی تنها در بحران و تشدید تنش‌های داخلی و خارجی می‌تواند ولایت مطلقه فقیه را متحقق گرداند. در این راستا، سخنان مشکینی معنی واقعی خود را بدست می‌آورد: در صورت انجام موفق نقشه، «مجمع تشخیص مصلحت» رکن اصلی حکم بر سه قوه دیگر می‌شود و یکصدستی و یک صدایی نظام ولایت مطلقه فقیه که در آن، تنها صدای «رهبر» شنیده می‌شود، واقعیت خارجی پیدا خواهد کرد.

انقلاب اسلامی: این امر که رژیمهای نوتالیتر تنها با ادامه تنشهای داخلی و خارجی قابل ادامه می‌شوند، صحیح است. اما شرط آن اینست که ۱ - جامعه کارپذیر باقی بماند و دولت امکان کارپذیر نگاه داشتن جامعه را داشته باشد. و ۲ - آتیهایی که در خدمت رژیم باقی می‌مانند، بی باور می‌شوند و تنها از راه گسترش فسادها و حتی جرائم و جنایتها می‌توان در خدمت رژیم نگاهشان داشت. و ۳ - تهدیدهای جدی خارجی در زندگی روزمره مردم ملموس باشد. و بخصوص، یک وجدان جمعی به نظام بدیل و به امکان جایگزین کردن رژیم نباشد. ۵ - رژیم از لحاظ اندیشه راهنما ورشکست نشده باشد و ۶ - رژیم بتواند برای نیروهای محرکه، بخصوص نسل جوان، امکان فعالیت ایجاد کند. اگر این شرایط وجود نداشته باشد، تقلا برای فراگیر کردن استبداد، تنها سقوط آن را تسریع می‌کند. در فصل دوم، مقاله‌ای را از لوموند دیپلماتیک نقل می‌کنیم تا خواننده وضعیت رژیم صدام را بداند و چگونگی مهار جامعه عراق توسط این رژیم را نقل می‌کنیم تا خواننده بتواند تصور روشنی از ضعفهای دو رژیم، بخصوص ضعفها و ناتوانیهای رژیم ملاتاریا پیدا کند.

تهدیدها رهبران و چند وظیفه‌ایهای سازمان ترور و هدفهایی که تعقیب می‌کنند:

هفته بسیج با رونق در کشور برگزار شد و بسیجی‌های ما زینت و زبور اجتماعات میلیونی روز قدس هستند. باید به پیش، درایت و آینده‌نگری امام (ره) بنامی که آن روز با آن سرعت اقدام به

تأسیس این شجره مقدس کردند. امروز بیش از هشت میلیون انسان در بسیج حضور دارند. مطمئن باشید در هر جای کشور که هستند بسیاری از آسیب‌ها و خصومت‌های دشمنان را خنثی می‌کنند و در حوادث اخیر نیز نمونه‌های آن را دیدید. بسیج در ۲۳ سال فعالیت خود هر جایی که تنگنایی برای انقلاب به وجود آمده، از جمله در مقابل شورش‌های اول انقلاب (۲)، دفاع مقدس، سازندگی در بلایای طبیعی کارساز بوده است.

مهمتر از همه آنها، قدرت پیشگیری یعنی نفس حضور نیروهای بسیجی در صحنه جامعه باعث می‌شود که خیلی‌ها اصلاً به فکر توطئه نیفتند و شروع به توطئه نکنند:

انقلاب اسلامی: ۱ - به اجتماع ۵۰ هزار نفری در حمایت از بنی‌صدر، اعتراف می‌کند. این همان اجتماعی است که فخرالدین حجازی را بر آن داشته بود نزد هاشمی رفسنجانی برود و به او بگوید کودتا نگرفت و مردم وارد عمل شدند. در آن روز، روز ۳۰ خرداد، ضربه را رجوی و گروه وارد کردند و موجب پراکنده شدن مردم شدند.

۲ - هم وقتی به اجتماع ۵۰۰ هزار نفری اعتراف می‌کند و هم وقتی به نقش اخیر «بسیج» اشاره می‌کند، جز این نمی‌گوید که آن روز، ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، مردم در صحنه بودند و با وجود سخنان ۲۵ خرداد خمینی، جا زدند و بیرون آمدند و این ما ایرانگیتها بودیم که علیه بنی صدرمنتخب آزاد ملت کودتا کردیم حالا هم همان کار را باید بکنیم. تهدیدهای زیر، توضیح سخنان و تهدیدهای رفسنجانی هستند:

● در «۱ آذر، هاشمی رفسنجانی برای سومین بار، تهدید کرد و دروغ گفت:

* تهدیدی: بهترین راه برای آمریکا این است که از خواست استکباری دست بردارد و راه سازش را در پیش بگیرد. در این صورت می‌تواند با ایران رابطه داشته باشد، اما ما این علامت را نمی‌بینیم. اگر ایران نخواهد، خلیج فارس امنیت پیدا نمی‌کند. شما نفت می‌خرید و ما نفت می‌فروشیم.

* دروغ: با اشاره به «تلاش نیروهای چپ و مارکسیسم و منافقین و لیبرال‌ها در اوایل انقلاب برای انحلال ارتش»، او گفته‌است: تلاش آنها، ریشه استکباری داشت و گمان می‌کردند که ارتش، عاملی برای اجرای نقشه‌های شومشان خواهد شد. اما در آن شرایط، امام (ره) با تیزی و شجاعت در مقابل موج‌های انحلال ارتش ایستادند. (۱)

انقلاب اسلامی: طرح اعلان حالت فوق العاده و انحلال ارتش را، بهشتی، در مقام «بیر کل حزب جمهوری اسلامی» به شورای انقلاب پیشنهاد کرد و یک علت از علتها ادامه جنگ بمدت ۸ سال، ناتوان کردن ارتش بود. و امروز، او که با اتفاق بهشتی و خامنه‌ای و... طرح انحلال ارتش را به شورای انقلاب آورده بود، مدعی است لیبرالها و... می‌خواستند ارتش منحل شود. آن «مارکسیستها» که آن روز خواهان انحلال ارتش بودند، همدستان حزب جمهوری اسلامی شدند و بهای این همدستی را بسیار سنگین پرداختند. اما هنوز که هنوز است زحمت یک «انتقاد از خود بعد از وقوع» را نیز به خود نداده‌اند.

● در سایت رویداد آمده‌است: حسین شریعتمداری، در سرمقاله مورخ ۷/۸/۸۱ خود در روزنامه کیهان، به طرح این پرسش پرداخت که «چرا و براساس کدام منطق، باید صهیونیست‌ها و حامیان آنها در نقاط مختلف جهان امنیت داشته باشند؟»

مدیر مسوول کیهان در پاسخ به سؤال فوق، با طرح استدلال‌هایی از این قبیل که: «حامیان اصلی اسرائیل، بیرون از فلسطین اشغالی و در آمریکا، اروپا و برخی از نقاط دیگر دنیا سکونت دارند که دسترسی به آنها بسیار آسان و کم هزینه است»، نتیجه گرفت: «باید جبهه دیگری را همان مختصات در بیرون از فلسطین اشغالی گشوده شود و مسلمانان انقلابی، در تمامی نقاط جهان، امنیت جانی صهیونیست‌ها و حامیان آنها را سلب‌کنند.»

سرمقاله کیهان، در پایان با اشاره مستقیم به خبر انفجار اخیر در

شهر مومباسای کنیا، خاطر نشان کرده: «این اقدامات - صرف نظر از خاستگاه اصلی آن که هنوز هم مشخص نیست، به وضوح نشان می‌دهند که صهیونیست‌ها در همه جای دنیا آسیب‌پذیرند».

در شرایطی که آمریکا و اسرائیل (در مقابل تکذیب‌های مکرر نظام همواره با انتساب عملیات مسلحانه اقصی نقاط جهان به جمهوری اسلامی، فشارهای غیرقانونی خود بر ایران را توجیه می‌کنند و در شرایطی که در جهان امروز، حتی ابرقدرت‌هایی که «واقعا» به دخالت مخفی در سایر کشورها می‌پردازند نیز به «اعلام» این دخالت‌ها در تریبون‌های رسمی نمی‌پردازند، مشخص نیست که اصرار برخی محافظان برای ایجاد شبهه حمایت ایران از اقدامات مسلحانه در ممالک دیگر، به چه منظور صورت می‌گیرد؟

گفتنی است که چندی پیش، انتشار جزوهای به نام «استراتژی اقدام تقدیه‌ای» از سوی برخی محافظان منتقد اصلاحات، که به صراحت به تنویزه کردن عملیات انتحاری برای ضربه زدن به «دشمن» - حتی تا مرحله «حذف ملت‌ها و نژادها» - سخن می‌گفت، به طرح هشدارهایی در زمینه سوءاستفاده‌های محتمل قدرت‌های خارجی از چنین «مستند سازی‌هایی» انجامیده بود.

انقلاب اسلامی: معلوم است که هدف از تهدید هاشمی رفسنجانی که در قلم شرعتمداری، عضو چند وظیفه‌ای سازمان ترور، روشن بیان می‌شود، ایجاد تنش در روابط خارجی، برای اجرای نقشه سرکوب داخلی، به تریبی است که در قسمت اول این فصل توضیح داده شد.

● در ۶ آذر، محمد باقر ذوالقدر، عضو چند وظیفه‌ای سازمان ترور، «جانین فرمانده کل سپاه پاسداران» ایستادن تهدید کرده است: دشمنان اسلام سعی دارند در مقابل یک حکم قضایی که مسیر قانونی خود را طی کرده و هنوز مراحل بسیاری تا اجرای آن باقی است، یک فتنه سیاسی ایجاد کنند.

بسیج، با یک چهره افشاگری و روشنگری در دانشگاه‌ها، نشستهایی را برگزار کرد و با یک تجمع پنج هزار نفری نشان داد که حتی دانشگاهیان و جریانیهای دانشجویی، با این حرکت همراه نیستند.

بسیجیان که در حدود ربع قرن است در حال خدمت به جامعه اسلامی ایران هستند، در صورت بروز ناامنیها، بسیج موظف است با استفاده از روشهای مربوط به خود، در مقابل ناامنی‌ها ایستادگی کند.

● در ۷ آذر، ذوالقدر بار دیگر تهدید کرده است: اعتراضات اخیر علیه حکم اعدام آقاجری فتنه سیاسی است. ماجرای بعد از صدور حکم قضایی یک عنصر هتاک، که روزانه صدها و هزاران حکم نظیر آن صادر می‌شود، دستاویز یک فتنه قرار گرفت و امکانی برای تزلزل ارکان نظام و ایجاد اختلاف در درون حاکمیت و بین افشار ملت برای دشمن فراهم شد...

اگر در جریان اخیر کار به درگیری می‌کشید، باز هم بسیج وارد عمل می‌شد.

● فرمانده قرارگاه نجف، علی شادمانی، در ۶ آذر، در جمع بسیجیان در سرسرای دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، گفته است: دشمن مدبران را رودر روی یکدیگر قرار می‌دهد و حرفهای خود را در دهان برخی از آنان می‌گذارد. دشمن قصد نابود کردن نظام جمهوری اسلامی ایران را دارد.

آمریکای فروپاشی حکومت طاغوت را محال می‌دانست، از وارد شدن اسلام به عرصه، پریشان شده و در تلاش برای بازگرداندن وضعیت به نفع خود است.

به گفته دو نظریه پرداز غربی، آمریکا برای بستر سازی و دسترسی به رهبری خود در جهان، کشورهای هند، چین، روسیه و بویژه ایران را به عنوان ام القریای اسلام، در راس فشارهای خود قرار داده است.

● در ۵ آذر، کیهان، با آب و تاب از بسیج ۳۰۰ هزار بسیجی خبر داد: همزمان با چهارمین روز از هفته بسیج مانور تذکر سانی ضابطین و ناصحین نیروی مقاومت بسیج روز پنجشنبه در ۱۵۰

شهر کشور برگزار می‌شود.

سرتیپ پاسدار غلامحسین کلولی دزفولی معاون امر به معروف و نهی از منکر نیروی مقاومت بسیج روز گذشته در تشریح برنامه های قرارگاه مرکزی سیدالشهدا(ع) در هفته بسیج اظهار داشت: بیش از ۷۰ هزار نفر از بسیجیان در این مانور شرکت خواهند داشت.

وی افزود: در حال سازماندهی ۳۰۰ هزار ناصح بسیجی در آینده نزدیک هستیم و در نظر داریم، در هر پایگاه، یک گروه ۲۲ نفره ناصحین را راه اندازی نماییم تا در محدوده فعالیت خود به تذکر لسانی اقدام نمایند.

معاون امر به معروف و نهی از منکر نیروی مقاومت بسیج در پاسخ به سوال کیهان درخصوص چگونگی تامین امنیت کشور توسط بسیج در صورت حمله آمریکا یکی از کارکردهای بسیج را تامین امنیت داخلی از طریق برخورد با جریانات براندازی و گروهک های معاند و اشرار عنوان کرد و گفت: در صورت حمله آمریکا به عراق و بروز پیامدها و تبعات آن برای سنجش آمادگی دفاعی ما توسط دشمن، نیروی بسیج با حضور گسترده در صحنه می‌تواند، توطئه های پیش آمده را خنثی کند...

● در ۹ آذر، «روز جهانی قدس» راه پیمایی بسیجیان را برخ کشیدند. بدیهی است نتوانسته بودند ۳۰۰ هزار را در راه پیمایی شرکت بدهند.

● و نوبت تهدید به «جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار» رسید. در تهدید نامه آنها آمده است:

چهارشنبه گذشته در پایان نشست جلسه علنی مجلس، نامه ای منسوب به نمایندگان مجلس در اختیار خبرنگاران قرار گرفت که در آن ابتدایی ترین مصالح کشور و موازین قانونی رعایت نشده است. این نامه دعوت و تحریک دانشجویان و دانشگاهیان به آشوب نسبت به اعلام یک رأی قانونی درباره جرایم یک مجرم بود.

آقایان باید بدانند این حکم، ننگین نیست و بر اساس موازین قانونی صادر شده است و قانون مراحل بعدی قطعی شدن آن را معین می‌کند.

طرفداران کسی که دین را فیون و آموزه‌های آن را سیاه می‌دانند و به همه ملت ایران اهانت کرده است، باید بدانند که اگر بخوانند به اهانت‌های خود اصرار داشته باشند، به فرموده امام راحل (ره)، ملت تکلیف خود را با آنها مشخص خواهد کرد... حکم اهانت کننده به انمه طاهرین معلوم است. اگر نمی‌دانند بروند از مراجع عظام تقلید بپرسند. کسانی که در مجلس شورای اسلامی برای این حکم، صفت ننگین را انتخاب کرده‌اند باید بدانند این صفت شایسته مصوبات برخلاف شرع مقدس اسلام و میثاق ملت ایران یعنی قانون اساسی در مجلس است. کسانی که این نامه را امضا کرده‌اند اگر شجاعت دارند اسامی خود را به ملت اعلام کنند تا اگر دولت جمهوری اسلامی اجازه فرمودند، یک اعتراض مدنی اجتماعی در جلوی مجلس شورای اسلامی تشکیل شود و اجتماع کنندگان بدانند چه نمایندگان را باید مورد پرسش قرار دهند...

در نیجریه، اهانت به مقدسات مردم منجر به آشوبی شد که به کشته و مجروح شدن صدها نفر انجامید. مردم در ایران منتظر واکنش نهادهای قانونی و حقوقی در قبال اهانت در حق دین و مقدسات هستند. اگر قانون سنجی برخی و اخلاص در رسیدگی به پرونده اهانت به مقدسات ادامه یابد، مردم در دفاع از دین هیچ‌گاه تردید به خود راه نخواهند داد.

● و چون مشکینی، «مجمع تشخیص مصلحت» را رکن چهارم خواند، دو واکنش نسبت به سخن او ابراز شدند:

* ده نمکی، یکی از سر شاخه‌های شاخه سرکوب خیابانی سازمان ترور، (نشریه اعتماد ۴ آذر) گفته است: آیه الله مشکینی همان چیزی را که همه می‌دانند، مطرح کرده است و اتفاق مهمی هم نیفتاده است. اینکه آیه الله مشکینی مجمع تشخیص مصلحت را قوه چهارم نامیده است، به این معنی نیست که واقعا چنین است بلکه این حرف به معنای اهمیت مجمع تشخیص مصلحت است. آقای هاشمی زمانی که در مجلس بود، ماشاءالله به جای همه تصمیم می‌گرفت و امروز که در مسند ریاست

تشخیص مصلحت نظام است، جایگاهی بیش از این دارد. نمایندگان مجلس ششم که با وی در افتاده بودند، امروز عذرخواهی می‌کنند چرا که به جایگاه و اهمیت قدرت و نفوذ هاشمی پی برده‌اند و با واسطه و بی واسطه به دنبال عذرخواهی از وی هستند.

به اعتقاد من، آیه الله مشکینی باید اصلاحیه‌یی بر این جمله خود داشته باشد.

* در ۶ آذر، محمد رضا خاتمی، دبیر کل حزب مشارکت گفته است: چه بسا منظور آیه الله مشکینی آن بوده که در مناسبات سیاسی در کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، می‌تواند نقش داشته باشد. به هر حال با کمی تساهل و تسامح باید از کنار این مورد گذشت، چرا که مسأله چندان جنجال برانگیزی نیست.

به اعتقاد وی، در حال حاضر، در کشور، تنها یک قوه وجود دارد و باقی قوا، نقش چندان پر رنگی ندارند.

انقلاب اسلامی: چه بسا منظور او این بوده است که نخست «مجمع تشخیص مصلحت» را یکی از قوا کند تا در حرکت بعدی، «قوه اصلی» و حاکم بر سه قوه دیگر بگردد!

● رسالت «اصلاح طلبانی» را که قصد خروج از حاکمیت را دارند، تهدید سخت می‌کند. این ارگان سازمان ترور، زیر عنوان «خودکشی سیاسی» می‌نویسد:

طرح خروج از حاکمیت، به شکلی معکوس و از انتها به ابتدا، در حال از دست دادن عناصر اجزای سازنده خود است. این روند تپه‌ی شدن، خروج از حاکمیت را پیشاپیش به یک طرح عقیم و غیر عملی تبدیل می‌کند. به نحوی که طراحان حتی اگر به زمان خروج برسند، فرصت خروج را نخواهند داشت و بر فرض نادرست اگر این فرصت را بیابند امکان اجرای آن را دور از دسترس خود خواهند یافت. اگر در این مرحله نیز عبور کنند، توانایی، جرأت و انگیزه لازم برای اجرای نقشی که به باز تولید تاریخی خوارج می‌انجامد بهره خواهند بود. اما اگر دست به حماقت زده و اقدام به خروج کنند، با پیامدها و عواقب غیر قابل تحمل آن روبرو و ناگزیر از مواجهه با وضعیت خواهند شد که غیر قابل پیش بینی است در مجموع خروج از حاکمیت، متنضم دشواری‌ها و معضلات زیر است:

۱- رسیدن به زمان خروج

۲- داشتن فرصت خروج

۳- امکان اجرای خروج

۴- وجود توانایی، جرأت و انگیزه لازم برای خروج

۵- آمادگی برای تحمل عواقب خروج

به نظر می‌رسد بسیاری از نیروهای لازم که رسیدن به نقطه خروج وابسته به اثرگذاری آنهاست، از میدان خارج شده و یا هرز می‌روند طراحی و ایجاد موانع متعدد بر سر راه خروج کنندگان، رشته‌ای از تضادات را باعث خواهد شد و بدین ترتیب نیروهایی که در لحظه خروج باید وارد عمل می‌شدند زودتر مصرف و به انتهای خود می‌رسند...

اما مرحله پنجم، مهمترین و دشوارترین مراحل است. خروج کنندگان باید آمادگی تحمل عواقب خروج از حاکمیت را داشته و ذهنیت روانی مناسب آن را در خود ایجاد کنند. آنان باید در نظر داشته باشند نتیجه خروج از حاکمیت برای خروج کنندگان و خوارج، با از دست دادن موقعیت‌های سیاسی آغاز و به وضعیت‌های غیر قابل تصور و بسیار ناخوشایند ختم خواهد شد. خروج از حاکمیت آغازی است که برای آن بی‌ایمانی جز ناپودی و سقوط سیاسی نمی‌توان یافت. در تحلیل نهایی و با توجه به مجموعه این دشواری‌ها، اقدام به خروج تنها از کسانی بر می‌آید که دچار حماقت سیاسی شده و حاضرند به یک خودکشی سیاسی تن در دهند.

● و در ۶ آذر، «نماینده ولی فقیه»، در سپاه پاسداران لرستان، مدعی شده است:

ارایه دو لایحه رییس جمهوری به مجلس شورای اسلامی، در صفحه ۵

رنگ و بوی سیاسی دارد.

حافظه تاریخی ملت ایران از این نوع لوایح و قوانین، ضربه خورده است. اگر این لوایح جنبه سیاسی ندارد، چرا بعد از گذشت شش سال از دوره ریاست جمهوری تاکنون مطرح نشده بود و اکنون در آستانه پایان این دوره مطرح می شود؟

محمد مصدق و ابوالحسن بنی صدر در زمان خود اختیار تام از مجلس گرفتند و نتیجه آن شد که حکومت به استبداد رضاخانی تبدیل شود. (۱)

محتوای این لوایح به گونه‌ای است که به رییس جمهوری حق می دهد، روسای دو قوه دیگر را محکوم و زندانی کند، مجلس را منحل و در امر قضاوت دخالت نماید. (۲)

تصویب این لوایح چیزی جز دیکتاتوری سیاه و ترویج ایده های لائیک را در جامعه به دنبال نخواهد داشت.

انقلاب اسلامی: ۱- این شخص، هم بسیار دروغگوست و هم بسیار بی سواد است: حکومت مصدق را کودتای سیا - انتلیجنست سرویس به دستبازی شاه و زاهدی و «آیات الله» بهیانی و کاشانی سرنگون کرد.

بنی صدر اختیاری از مجلس نگرفت که هیچ، مجلس ملاتاریا، بهانه لغو «اختیارات شاه»، اختیارات ناچیز رییس جمهوری را نیز ستاند. اما چون از مردم ایران می ترسیدند، پای خمینی را بمیان کشیدند و واپسین مرحله کودتای خزنده را در خرداد ۱۳۶۰، به انجام رساندند.

۲- دو لایحه بی محتوا را اختیار توقیف سران دو قوه و انحلال مجلس ... گفتن، دروغگوئی و بی اطلاعی خارج از اندازه طلب می کند. البته،

ملاتاریا مستمعان خود را «عوام در حکم چهارپایان» می شمارند و این دروغها را برای برانگیختن پاسداران به «مقابله با خطر» بر زبان آورده است.

● به روایت رویداد (۱۱ آذر)، نشریه «یالثارات الحسین» یکی از ارگانهای شاخه سرکوب خیابانی سازمان ترور (انصار حزب

الله)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جهاد انقلابی پاکسازی، اولویت بزرگ انقلاب در مقطع کنونی» نوشته است: «انقلاب اسلامی

اینک در شرایطی است که در جهت درهم شکستن موانع و سدهای داخلی و بین‌المللی‌ای که در مقابل تحقق مسیر رشد و

بالندگی معنوی جامعه پدید آمده است، در سه عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند یک «جهاد پاکسازی» است.

واقعیت این است که انقلاب در مسیر حرکت خود در برخی نقاط گرفتار زواید و خاشاک و ناخالصی‌هایی گردیده که تداوم

بسط تاریخی آن را با مشکل روبرو کرده است.»

به بهانه جنگ با عراق: کوششهای امریکا برای معامله با ایران و ترکیه:

وجود آورد. برای مثال، می تواند حزب الله لبنان را به حمله‌های بیشتری به اسرائیل برانگیزد. به تریبی که اسرائیل ناگزیر از نشان دادن واکنش و حمله متقابل بگردد و بدینسان عرصه جنگ را توسعه دهد. با حماس را فعال تر بگرداند و یا سازمانهای شیعه را در عراق فعال بگرداند تا در دولت جدید عراق، برای خود، نفوذ هرچه بیشتری را تدارک کند.

* والکر، متخصص خاورمیانه و رئیس مؤسسه خاورمیانه که با خرازی دیدار کرده است، می گوید: خرازی می گفت: با وجود محور شر خواندن ایران، همکاری ایران با امریکا چگونه ممکن می شود؟ در آن دیدار، خرازی گفت: در قضیه عراق ما بی طرف فعال هستیم. اما من باور نمی کنم. منافع ایرانها با وجود مرزهای طولانی با عراق با چنین سیاستی سازگار نیست.

* مقامات امریکایی حاضر نشدند از محتوای گفتگوهاشان، با ایرانها، سخنی بگویند. حتی حاضر نشدند بگویند آیا ایران حاضر به همکاری شده است یا خیر؟

اما یک مقام بلند پایه حکومت بوش گفت: امریکا بر آنست که به

ایرانیها اطمینان بدهد: «آنها باید اطمینان پیدا کنند که پس از جانشین رژیم صدام شدن دولت جدید، ایران همسایه‌ای خواهد که دیگر هیچگاه آنها را تهدید نخواهد کرد. آنها باید خوشحال باشند از اینکه عراق جدیدی ساخته خواهد شد که دیگر اسلحه کشتار جمعی نخواهد داشت. این سخن که عراق مستعمره امریکا خواهد شد، دروغ مضحکی است. عراق تمامیت ارضی خود را حفظ خواهد کرد، کشوری می شود در رشد با دولتی که رعایت حقوق اقلینها و حقوق بشر را می کند. آیا اینکه عراق کشوری عادی بگردد، برای ایران مسئله ایجاد می کند و یا ایران را از مسئله‌ای می آساید؟»

* مقامات امریکا تکذیب می کنند که حکومت امریکا قصد حمله نظامی به ایران را داشته باشد و یا حتی متحدش، حزب الله لبنان، در تحت فشار بیشتر قرار دهد. همان مقام بلند پایه گفت: «ما چنان نقشه‌ای نداریم و در انبان خود، نقشه‌هایی برای آنچه باید روی دهد، نیز، نداریم.»

* علاوه بر اظهارات علنی، در غیر علن نیز، مقامات امریکا می گویند: حکومت امریکا هیچ قصدی به مداخله در امور داخلی ایران را ندارد. همان مقام عالی رتبه می گوید: «تغییر وضعیت سیاسی در ایران، کاری نیست که امریکا یا هر قدرت دیگری، از خارج، بتواند ایجاد کند. آینده ایران در گرو تصمیم و عمل خود ایرانیان است.»

● در ۱ دسامبر ۲۰۰۲، خبرگزاری فرانسه، از قول دیپلماتها، گزارش کرد که در پس پرده‌ای از مبادله حمله‌های تبلیغاتی به یکدیگر، ایران و امریکا مشغول گفتگو بر سر عراق هستند. هیچیک از دو طرف جز بنات گفتگوهای محرمانه فاش نمی کنند. اما منابع دو طرف می گویند گفتگوها پیرامون جزئیات عملیات، از جمله نقش مخالفان شیعه رژیم صدام مستقر در ایران و استفاده امریکا از فضای ایران در حمله به عراق است. افزون بر این، ایران اطلاعات ذیقیمتی در باره سلاح شیمیایی عراق و انبارهای آن و نیز برنامه‌های اتمی عراق و موشکی عراق دارد که می توانند باز رسان سازمان ملل متحد را در دست گذاشتن بر روی اسلحه کشتار جمعی عراق بکار آیند.

● در ۲۷ نوامبر، شبکه خبری سی.ان.ان گفت: مقامات امریکایی می گویند میان امریکا و ایران، طی دو ماه گذشته، مذاکرات انجام گرفته اند.

سی.ان.ان افزود: توافق حاصل شده رسمی نیست زیرا دو کشور با یکدیگر رابطه ندارند. با وجود این، منابع آگاه می گویند: ایرانی‌ها موافقت کرده‌اند در صورتی که خلبانان هواپیماهای امریکایی بخاطر نقص فنی هواپیما و یا آتش توپخانه عراق، در قلمرو ایران فرود آیند، ایران آنها را خدمات پزشکی غیر آن برخوردار و هر چه سریعتر تحویل امریکا دهد. همچنین هواپیماهایی که قادر به پرواز باشند به امریکا پس داده خواهند شد.

نگرانی امریکا از اینست که اگر هواپیماها در خاک ایران سقوط کنند، ایران محل سقوط هواپیماها را می یابد و از تکنولوژی بسیار پیشرفته نیروی هوایی امریکا اطلاع حاصل می کند.

بنا بر قول مقامات امریکا، دولت ایران گفته است می خواهد از جنگ احتمالی امریکا بر ضد عراق به دور باشد.

ایسنا گزارش کرده است که در سایت اینترنتی "ساوت لیک تریبون" آمده است که «مقامات امریکایی گفتند تبادل پیام‌ها که از طریق کشور سوم صورت گرفته، بخشی از مانور دیپلماتیک ملاحظه کارانه بین دو کشور است.

از آنجا که ایران دارای مرز طولانی با عراق است و با حدود ۶۰ درصد از مردم عراق مشترکات مذهبی دارد، نمی توان در طرحهای حمله امریکا به عراق، محلی از اعراب برای ایران قائل نشد.

مقامات وزارت خارجه امریکا اعلام کردند پیام‌ها که میان امریکا و ایران رد و بدل شده‌اند، از طریق کشورهای اروپایی و غیر رسمی بوده‌اند. هدف از مبادله پیامها پی بردن به واکنش ایران نسبت به دورنمای استقرار دهها هزار نیروی امریکایی در عراق بوده است.»

● نقش ترکیه و آذربایجان در جنگ احتمالی امریکا با عراق:

* امریکا ۵۰ کشور را زیر فشار قرار داده است تا مگر متحدش در جنگ با عراق بگردند. و در ۳ دسامبر، معاون وزارت دفاع، پل

ولفویتر - وزیر خارجه انگلیس نیز با آنها به آتکارا رفت - و معاون وزارت خارجه، مارک گروسمن، را به آتکارا فرستاد. این دو مأموریت دارند موافقت دیگر اعضای ناتو را نیز با جنگ امریکا با عراق، تحصیل کنند.

امریکا به ترکیه وعده می دهد در صورت موافقتش با حمله به عراق از خاک ترکیه، سالانه، کمک اقتصادی معادل ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار به ترکیه بدهد و از قرضه ۶ میلیارد دلاری ترکیه به امریکا چشم پوشد. هم اکنون امریکا به اتحادیه اروپا فشار می آورد وعده پذیرفته شدن ترکیه را در اتحادیه اروپا بدهد و در ازای آن، ترکیه با تقاضای امریکا موافقت کند.

* استراخانوف (۳ دسامبر ۲۰۰۲) سخنان ژنرال چویک بیر، رئیس ستاد پیشین امریکا را نقل کرده است. ژنرال بیر گفته است اگر امریکا از راه مذاکره موافقت حکومت ترکیه را بدست نیآورد، او نفوذ خود را برای جلب موافقت حکومت ترکیه بکار خواهد برد. بنظر ژنرال بیر، در صورت وقوع جنگ با عراق، از لحاظ ترکیه، امریکا می باید عراق را در اشغال نظامی خود نگاه دارد. همانطور که در جنگ دوم، ژاپن را مدتها در تصرف خود نگاه داشت.

تکرانی دولت ترکیه از اینست که جنگ در عراق موجب پیدایش دولت کرد در شمال عراق و تجدید جنگ با کردها بگردد. ترکیه بهیچرو حاضر نیست جنگی تجدید شود که در آن، ۳۷ هزار کشته و زینهای مالی بسیار داد.

* در ۴ دسامبر، ولفویتر، گفت: حمایت ترکیه بدست آمد. با تمامی مقامات حکومت صحبت کردیم و موافقت آنها را با حمله به عراق از طریق ترکیه بدست آوردیم. او به حکومت ترکیه پیشنهاد کرده است چندین صد میلیون دلار صرف بازسازی پایگاههای نظامی ترکیه کند. اما یسار وکیس، وزیر خارجه ترکیه گفت: در صورتی که عراق قطعنامه شورای امنیت را اجرا نکند و دیگر راه صلح آمیزی نماند، ترکیه با شرایطی با حمله به عراق از خاک این کشور موافقت خواهد کرد. واشنگتن پست همان تاریخ، قول وزیر خارجه ترکیه را ناقض قول معاون وزارت دفاع امریکا می یابد.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

استراخانوف علت عرضه پایگاهها به امریکا را آن می داند که حیدر علی اوف می خواهد جای خالی حمایت مردم را با حمایت امریکا از رژیم خود پر کند. چهار پایگاهی که رژیم حیدر علی اوف پیشنهاد می کند عبارتند از قندزا و کردامیر و قالا و خاجی کابل.

انقلاب اسلامی: استقرار قوای هوایی امریکا در این پایگاهها، محاصره نظامی ایران را نیز کامل می کند. در این صورت، با وجود این، حتی اگر رژیم ملاتاریا دست نشاندگی خود را علنی کند، ضعیف تر و جامعه ایرانی قوی تر می شود. زیرا در برابر قوای نظامی امریکا، تنها نیروی مردم است که می تواند آنها را بی اثر بگرداند.

● استراخانوف (۲۰ نوامبر) خبر داده بود که «رژیم نامحسوب حیدر علی اوف به امریکا پیشنهاد کرده است از ۴ پایگاه هوایی این کشور، برای حمله به عراق، استفاده کند. با استفاده از پایگاههای آذربایجان، امریکا دیگر نیازمند پایگاههای هوایی ترکیه نمی شود.

از حرفه‌ها داشته باشد، بگذارد برای بعد از اینها که مساله آمریکا را حل کرده باشیم و آن دشمن اصلی را از کشورمان دور بکنیم.

● در ۳ دسامبر، بازرسان سازمان ملل متحد، یکی از کاخهای صدام را مورد بازرسی قرار داد. دبیر کل سازمان ملل، همکاری رژیم صدام را با بازرسان سازمان ملل متحد، خوب توصیف کرد. اما بوش صدام را فریبکار و بازرسان را از افتادن در دام فریبکاری او، برحذر داشت. بهر رو، در صورتی که رژیم صدام تا آخر همکاری رضایت بخشی با بازرسان سازمان ملل بعمل آورد، جنگ کردن با صدام، برای آمریکا، بسیار مشکل می‌شود. از هم اکنون، حکومت بوش نگرانی خود را از اینکه زمان به زیان سیاست آمریکا عمل می‌کند، پنهان نمی‌کند. جامعه آمریکا روحیه‌ای که اینک دارد و روحیه ملی است که منتظر وقوع جنگ در یکی از روزهای آینده است را از دست می‌دهد و نسبت به جنگ سرد می‌شود. در آمریکا و بقیه دنیا، فرصت در اختیار مخالفان جنگ قرار می‌گیرد و روانشناسی ضد جنگ، اقدام به آن را نزدیک به غیر ممکن می‌کند. خبر زیر نیاز آمریکا را به موافقت افکار عمومی معلوم و کوششی را که برای موافق جنگ کردن و نگاهداشت این افکار عمومی بکار می‌برد، آشکار می‌کند:

● انلیجنس آن لاین (۲۱ نوامبر تا ۴ دسامبر) گزارش می‌کند که «مشاوران جنگ با عراق را آماده می‌کنند»: در واشنگتن، شرکت لابی رندون گروپ مدت چند هفته است برای وزارت دفاع آمریکا کار می‌کند. کاری که می‌کند تهیه استراتژی تبلیغاتی است که بکار بردن زور بر ضد عراق را توجیه کند. وجود قرار داد بسیار خاص وزارت دفاع با این شرکت، مبتنی بر پیش بینی حاصل کار بازرسان سازمان ملل در عراق، از سوی چندین شخصیت نزدیک به وزارت دفاع آمریکا، تصدیق شده است. ما با فیلیپ آنجلی، مدیر عملیات رندون گروپ Redon Group تماس گرفتیم. در ۱۵ نوامبر، از او در باره این استراتژی تبلیغاتی که می‌باید افکار عمومی دنیا را جنگ با عراق توجیه کند، پرسیدیم. جن نیکولوزی، معاون جون رندون (دستیار کارتر رئیس جمهوری اسبق آمریکا) برای ما توضیح داد که برای اولیای شرکت غیر ممکن است که در باره این موضوع، سخنی بگویند. زیرا می‌باید رازدار مشتریان سابق و لاحق خود باشند. اما این سخن خود تصدیق وجود چنین قراردادی میان شرکت و وزارت دفاع بود. بموازا، ایان اورینا، محقق Middle East Research and Information Project در واشنگتن، به ما، به تأکید، گفت: خود من در محیط دانشگاه، افراد رندون گروپ را دیدم که در کار استخدام دانشجویانی بودند که عراقی تبار هستند. کار آنها ضبط پیامها به زبان عربی خطاب به مردم عراق بود. ایان اورینا قسمتی از کشفیات خود را، بتازگی، در ویلیج ویس Village Voice انتشار داده است.

مسئولان نظامی حکومت جمهوریخواه آمریکا مدت یک سال است که با رندون گروپ ارتباط برقرار کرده‌اند. نخستین بار، خبرنگار مادر ۱۴ فوریه ۲۰۰۲، از راز بکار بردن تکنیک رنگ کردن مردم بقصد حامی عملیات نظامی کردنشان، پرده برداشت. «اداره تأثیر و نفوذ استراتژیک» دستگاهی بود که بهمین منظور ایجاد شده بود. مخالفت شدیدی که در کنگره با وجود چنین اداره‌ای ابراز شد، وزیر دفاع، دونالد رامسفلد را بر آن داشت که اداره را بلادرنگ منحل کند. اما رئیس اداره، سیمون وردن فرصت آن را یافت که قراردادی با رندون گروپ امضاء کند. شرکت رندون گروپ بابت چنین تبلیغات «استراتژیک»، ماهانه ۷۰ هزار دلار دریافت

می‌کند.

● هم بلحاظ نقش تعیین کننده افکار عمومی و هم بجهت هزینه انسانی و مالی و... جنگ طولانی، آمریکا خود را ناگزیر دیده‌است نقشه جنگی طرح کند که اجرای آن، پیروزی را، حداکثر ظرف ۶ هفته، فراهم آورد. آنتونی (میدل ایست نیوزلاین ۲۷ نوامبر) کردسمن، از مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی واشنگتن، طی کنفرانسی مطبوعاتی، سناریو تجدید نظر شده جنگ آمریکا با عراق را تشریح کرد. کردسمن، مقام بلند پایه سابق وزارت دفاع که به تازگی در کنگره شهادت داده است، گفت: احتمال زیاد می‌رود که صدام توانا به مقاومت معنی داری نشود و نیز نتواند اسلحه کشتار جمعی خود را بکار برد.

کردسمن گفت: قوی ترین احتمال اینست که قوای زمینی آمریکا و انگلستان، بدنبال حملات هوایی پر حجم و شدید بر ضد پایگاههای موشکی و نقاطی که سلاح کشتار جمعی عراق مستقر شده‌اند، انجام گیرد.

● با توجه به این امر که ممکن است آمریکا در موقعیتی قرار گیرد که نتواند به عراق حمله کند و یا چنین حمله‌ای از جهات مختلف مقرون به صرفه نبیند و با توجه به واقعیت مهمتری که عبارت است از پیدا نکردن جانشین قابلی برای صدام حسین، سبیا تقدم را به اجرای طرح سابق کردن رژیم صدام توسط عراقیها می‌دهد (مطالعات استراتژیک ۸ نوامبر ۲۰۰۲):

برغم تدارکات جنگ با عراق، زیر چشم جهانیان، امریکائیان کوششهای خود را بر فعالیتهای اطلاعاتی متمرکز کرده‌اند. نه تنها به این علت که اگر بنا بر جنگ برق آساشود، پیشاپیش، می‌باید زمینه آن آماده شود، بلکه حتی عملیات کماندویی و سرنگون کردن رژیم صدام از درون، نیاز به نوع فعالیتهای دارد.

سیا که در توانائی ارتش آمریکا برای انجام یک جنگ برق آسا و سرنگون کردن رژیم صدام، تردید دارد، در کار فراهم آوردن اسباب سرنگونی صدام و رژیم او از داخل عراق است. گفتگوهای سیا با رهبران دو حزب کرد - که در اواخر نوامبر در فرانسه بودند و قرار است در کنگره ماه دسامبر نیروهای مخالف رژیم صدام شرکت کنند - از ماه اوت گذشته آغاز شدند. در پایان این گفتگوها، جلال طالبانی و مسعود بارزانی موافقت خود را با ایجاد ایستگاه سیا در کردستان عراق، ابراز کرده‌اند. سیا صاحب دو دفتر در کردستان عراق شد. دو حزب متعهد شده‌اند تدارکات لازم، برای پذیرفتن نظامیان عراقی که سیا جذب می‌کند و آنها به کردستان عراق می‌آیند، تا با امریکائیها همکاری کنند، را آماده کنند.

● اما صدام نیز مشغول اقدامات پیشگیرانه است (اطلاعات استراتژیک ۲۲ نوامبر): بنا بر قول یک منبع دیپلماتیک در بغداد، ناجی صبری الهدایتی، وزیر خارجه عراق رسماً اظهار کرده‌است که در صورت بروز جنگ، روابط عراق با فرانسه و روسیه نباید خراب شوند. شرط آنکه این دو کشور، در جنگ، در کنار آمریکا بر ضد عراق، قرار نگیرند. بنا بر اظهار او، این روابط می‌باید گسترش نیز پیدا کنند بخصوص در قلمرو سرمایه‌گذاری در نفت و صنایع. از قرار، او افزوده‌است: شرکتهای نفتی امریکائی نتوانسته حکومت بوش را متقاعد کنند با عراق گفتگو کنند. با اینهمه، شرکتهای امریکائی در همان حال که با مخالفان رژیم عراق تماس می‌گیرند، به این رژیم نیز بطور مستمر علامت می‌دهند.

بخلاف تصور امریکائیها، صدام از جهت دیگری نیز، خود را برای موافقت با بازگشت بازرسان سازمان ملل متحد، از مدتها پیش آماده کرده‌است. بخصوص از زمانی آماده کرد که یک چند از مهندسانی که در تولید اسلحه کشتار جمعی کار می‌کردند، به خارج از عراق

گریختند. برای مثال، عدنان الحیدری که موفق شد به آمریکا بگریزد، دوا بر اطلاعاتی امریکارا از مخفی گاههای زیر زمینی که واحدهای تولید سلاحهای شیمیایی و میکروبی آگاه کرده‌است. افزون بر این، هواپیماهای امریکائی که کارشان تشخیص زیر زمینیهای خالی است، بر فراز عراق، برای یافتن اینگونه مخفی گاهها دائم در پرواز هستند. اطلاعاتی که امریکا گردآوری کرده‌است، جز اندکی، در اختیار بازرسان سازمان ملل متحد قرار نمی‌گیرند. صدام تعدادی از مهندسان خود را با گذرنامه هائی بنامهای غیر واقعی، به خارج فرستاده‌است. و باز او دستور داده‌است مدارک را به مساجد و مدارس و بیمارستانهای مناطق کرکوک و موصل منتقل کنند. مسئولیت انجام این عملیات وسیع را دام به ولید النصری، یکی از نزدیکان خود واگذار کرده‌است. البته فرزند صدام، کسای، بر انجام تدابیر مقرر نظارت می‌کند. علاوه بر این، به هزاران نفر که می‌باید با بازرسان همکاری کنند، تعلیمات لازم در باره آنچه باید بگویند و آنچه نباید بگویند و روش پاسخ گفتن به پرسشهای بازرسان، داده شده‌است.

انقلاب اسلامی: به ترتیبی که اطلاعات بالا حکایت دارند، تا جنگ انجام نگرفته است، دو طرف و کشورهایی که در صورت بروز جنگ، پاهاشان به آن کشانده خواهند شد، در کار آند که از موقعیت سود برند و زیان نبینند. اما ملاتاریا نه به حقوق مردم و ایران، که به قدرت استبدادی خود می‌اندیشد. گمان می‌برد فرصت را، برای سرکوب وسیع و مستحکم کردن پایه‌های استبداد مطلقه، می‌باید مغنم بشمارد. حال آنکه کوششهای ایرانیانی که در خط آزادی و استقلال، با استبداد ملاتاریا مبارزه می‌کنند، مانع از آن شدند که مدار بسته بوجود آید و در آن، ملاتاریا «ولایت مطلقه فقیه» را مستقر کند.

از این موقعیت، استبداد ملاتاریا نمی‌گذارد جامعه برای رشد در آزادی استفاده کند. در نتیجه، این بیکاری است که در ایران توسعه پیدا می‌کند:

اشتراک

اشتراک یک ساله، اروپا ۳۶ و خارج از اروپا ۴۴ اویرو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۲۰ و خارج از اروپا ۲۴

نشریه را یاری کنید